

## شرح قتل پسر معتاد در شکنجه گاه ترک اعتیاد

کارکنان یک کمپ ترک اعتیاد مجاز که پسر معتاد را به خاطر تلاش برای فرار شکنجه کرده و به قتل رسانده‌اند در جلسه رسیدگی به پرونده جزئیاتی از رفتار خشونت بار با معتادان را شرح دادند. انتشار فیلم خشونت آنها علیه مقتول واکنش قضات دادگاه را به همراه داشت.

به گزارش جوان، پرونده سال گذشته با مرگ مشکوک پسر معتادی در یک کمپ ترک اعتیاد به جریان افتاد. مأموران پلیس با اعزام به آدرس کمپ با جسد پسر جوانی به نام سپهر روبرو شدند که در بررسی‌های اولیه مشخص شد وی بعد از درگیری با مدیر کمپ و پنج نفر از کارکنان مجروح و پس از انتقال به بهداری به کام مرگ رفته است. جسد به پزشکی قانونی فرستاده شد و تحقیقات پلیس با طرح شکایت خانواده سپهر به جریان افتاد. آنها به پلیس گفتند پسرشان بر اثر شکنجه کشته شده‌است. در جریان تحقیقات و بررسی دوربین‌های مداریسته با اثبات ادعای خانواده سپهر، مدیر کمپ به نام کوروش و همدستانش بازداشت شدند. کوروش در جریان تحقیقات قتل را انکار کرد، اما همدستانش گفتند به دستور او مقتول را کتک زده و ناخواسته مر تکب قتل شده‌اند. شش متهم با توجه به شواهد موجود راهی زندان شدند و پرونده با کامل شدن تحقیقات به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

■ **درخواست قصاص**

بعد از اعلام رسمیت جلسه که در شعبه دوم دادگاه برگزار شد وکیل اولیای دم در جایگاه ایستاد و گفت: «اولیای دم به خاطر رفتارهای وحشیانه متهمان و گزارش پزشکی قانونی که اعلام کرده‌بود، آنها مقتول را مجبور به خوردن نادر و مدفوع خودش کرده بودند، حاضر به گذشت نیستند و درخواست قصاص دارند.»

■ **حرف‌های مدیر**

در ادامه مدیر کمپ که از زندان به دادگاه اعزام شده بود در جایگاه قرار گرفت. او بار دیگر جرمش را انکار کرد و گفت: «لیسانس روانشناسی دارم و چند سال قبل با پدرم تصمیم گرفتم کمپ ترک اعتیاد تأسیس کنیم. بعد از رانندگی آن معتادان زیادی بستری شدند و بعد از درمان باز مخص شدند. سپهر از بیمارانی بود که به تازگی بستری شده بود. او چند بار تصمیم به فرار گرفت، اما منایر با ندیدم.ام. ضربه‌ها طوری بود که خون مقتول به اطراف که دیگر متهمان به‌خاطر خصومتی که با سپهر داشتند با او در گیر شدند و وی را به شدت کتک زدند. من در این حادثه مقصر نیستم و فقط دوضربه به سپهر زدم. در قتل نقشی نداشتم و بی دلیل بازداشت شدم.»

■ **تصویر خشونت در دوربین مدار بسته**

قاضی بعد از دفاعیات کوروش گفت: «فیلم دوربین مداربسته نشان می دهد شما خیلی وحشیانه مقتول را کتک زده‌اید در حالی که اجازه چنین برخوردی را با او نداشتید. من در این سال که تجربه قصاوت دارم هرگز چنین جنایتی را ندیده‌ام. ضربه‌ها طوری بود که خون مقتول به اطراف پاشیده می شد. حال با این شواهد و مدارک چه دفاعی داری؟ متهم در پاسخ به این سئوال سکوت کرد و درخواست گذشت کرد.

■ **ترویج خشونت از زبان دومین متهم**

در ادامه دومین متهم در جایگاه ایستاد و با اقرار به جرمش درباره رفتارهای مدیر کمپ گفت: «چند سال قبل برای ترک اعتیاد در کمپ بستری شدم. وقتی وارد آنجا شدم فهمیدم مدیر کمپ معتادان را مسلوب الاراده می کند. او ما را با کتک زندن آرام می داد و اگر در این باره به خانواده‌هایمان حرفی می‌زدیم، به آنها می‌گفت دچار مشکلات روانی شده‌ایم. اگر ما را به خانه ببرند به خاطر اوضاع روانی ممکن است خانه را آتش بزنیم یا مرتکب قتل شویم. با توجه به شرایطی که داشتیم خانواده‌هایمان حرف او را باور می کردند و راضی نمی شدند ما را ترخیص کنند.»

متهم در ادامه با نشان دادن آثار بریدگی و زخم روی دست هایش به قضات گفت: «مدیر کمپ بعد از کتک‌های وحشتناک دست و پای معتادان را می‌شکست. حتی بعضی از آنها را مجبور به خوردن مدفوع یا ادرانشان می کرد. همین رفتارها باعث می شد از ترس سکوت کنیم و با کسی صحبتی نکنیم.»

■ **درباره حادثه**

او درباره قتل نیز گفت: «مدتی از زمان بستری‌ام گذشت که کوروش پیشنهاد داد کلیددار کمپ باشم. از روی ناچاری قبول کردم تا اینکه آن روز آمد و گفت قصد فرار دارد و باید نعلولی فرارش را بگیریم. بعد از دفاعی سپهر را دیدیم که در حال فرار بود. آنجا بود که کوروش با خشم و عصبانیت از من و دیگر متهمان خواست او را کتک بزنیم. البته همه درهای کمپ آهن کشی بود و خود ما هم نمی توانستیم از آن درها خارج شویم.اما مجبور بودیم حرفش را گوش کنیم تا همین دلیل مقتول را کتک زدیم چون سرنوشت هر کس که قصد فرار داشت همین بود.»

او در ادامه در پاسخ به سؤال قاضی مبنی بر اینکه حدود ۲۰ تا ۱۰۰ معتادی که در آن کمپ بستری بودید چرا با هم متحد نشدید تا از آنجا فرار کنید گفت: «مدیر کمپ قدرت تصمیم گیری را از ما گرفته بود به همین دلیل نمی توانست هیچ تصمیمی بگیریم.» بعد از توضیحات این متهم و دو متهم حاضر در دادگاه نیز با تأیید این توضیحات از خودشان دفاع کردند و گفتند آنها نیز در آن کمپ بارها شکنجه شده و دست و پایشان شکسته بود به همین خاطر از ترس مقتول را شکنجه و کتک زده بودند. در پایان هیئت قضایی به دلیل غیبت دو متهم دیگر جلسه محاکمه را به تاریخ دیگری موکول کرد تا بعد از شنیدن اظهارات آنها حکم را صادر کند.

بسیاری از افرادی که یا پیشان به پرونده‌های قتل یاز می‌شود قاتل بالفطره نیستند. آنها بدون نقشه و انگیزه قبلی و در جریان یک اتفاق یا مشاجره وارد می‌شوند و از روی خشم دست به رفتار پرخطمی می‌زنند که به قیمت زندگی فرد دیگر تمام می‌شود و خودشان هم باید مجازات

سختی را تحمل کنند. حسن بابایی مردی ۳۳ساله است که ۱۰سال قبل به خاطر دعوا بر سر پول خرد پایش به پرونده قتل یاز شد و تا یک قدمی مجازات قصاص پیش رفت، اما لطف خداوند شامل حالش شد و فرصت دیگری برای زندگی پیدا کرد. او این روزها برای نجات کسانی که ناخواسته به همان مسیر رفته‌اند تلاش می‌کند.

**حسن آقا شغلش چه بود و کجا کار می کردی؟**

من کارگر نانوبی بودم. هنگام حادثه ۲۲ساله بودم و در یک نانوبی در کرج کار می کردم. کنار تنور می ایستادم و با چنگک نان را از تنور خارج می کردم.

**حادثه در همان نانوبی اتفاق افتاد؟**

بله، اتفاق ناگواری بود که تا پایان عمر نمی توانم فراموشش کنم.

**در این باره توضیح بده.**

آن روز مشغول کار بودم و مثل همیشه یک مشتری برای خرید نان وارد شد. بعد از این که نان هایش را برداشت سر پول خردی که به او داده بودم مشاجره کرد. به هر حال در چنین مواقع دیگریان هم میانجیگری و سعی می کنند کسانی که وارد مشاجره شده‌اند را به آرامش دعوت کنند که این طور شد و آن مرد به دنبال کار خودش رفت. زمان زیادی نگذشته بود که دوباره برگشت منتهی این بار میله یا باتومی به دست داشت.

**برای دعوا بر گذشته بود؟**

این طور به نظر می‌رسید و این اتفاق افتاد. من هم آن لحظه در حال کار بودم و با همان چنگکی که به دست داشتم وارد دعوا شدم. نمی خواستم به آن مرد ضربه یا آسیبی برسانم، اما نمی دانم چطور به او ضربه وارد شد که زخمی شد.

**حتماً خیلی تریسیدی؟**

بله، تریسیدم. منتهی من فرار نکردم و آن مرد را به بیمارستان رساندم. او مردی ۳۷ساله بود که همسر و فرزند داشت. تا زمانی که هم در بیمارستان بستری

## حجوات

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۴۷۶

**گفت و گو با نجات یافته‌ای که به عهدش وفا کرد و سفیر بخشش شد**

## بابخشش به آرامش می‌رسیم

**شرایط زندان برای شما چطور بود.**

شرایط بسیاری سختی داشتم. آن طور که گفتم مقتول صاحب همسر و فرزندی خردسال بود که پدربزرگش قتل طفل شد و برایم درخواست قصاص کردند. حکم قصاص هم از سوی دیوان عالی کشور تأیید شد.

**با به حال خبر تأیید حکم قصاص را شنیدید؟**

بله، زمانی که تأیید حکم را شنیدم بین مرگ و زندگی سرگردان بودم. ترس همه وجودم را گرفته‌بود. همیشه کابوس می دیدم. هر کس که به سلول نزدیکی می شد فکر می کردم که برای بردن من آمده‌است. فضای خیلی سختی بود که مدام در انتظار می‌گذشت.انتظار سختی که ترس زیادی همراهش بود و توانش را هم نداشتم.

**به هر حال این شرایط را در زندانی‌های دیگر هم دیده بودی؟**

بله، وقتی کسی را برای اجرای حکم می‌بردند همه دست به دعا می‌شدند. کسانی که ناخواسته مرتکب قتل شده‌بودند و بدون انگیزه پایشان به آنجا کشیده شده‌بود و مستحق مرگ نبودند. آنها وقتی رضایت می گرفتند شور و شوق زیادی در سالن زندان ایجاد می‌شد و بخشش اولیای دم شامل حال ما هم می‌شد که همان شادی بود که فضای سرد زندان را پر می کرد.

**این افراد چگونه شامل بخشش می‌شدند؟**

رفتار افراد در زندان بررسی می‌شود و همه تحت نظر هستند. کسانی که در زندان رفتار خوبی داشته‌باشند و توبه کنند از سوی مدد کاری به گروه خیران معرفی می‌شوند و آنها هم برای جلب رضایت از اولیای دم تلاش می کنند.

**این موضوع شامل حال شما شد.**

بله، این لطف خداوند بود که شامل حال من شد. من نمی‌خواستم که دستم به خون کسی آلوده شود. برای کنند من جوانی‌ام را در زندان نخواهد فرست دیگران یه من بدهد خودم هم برای جلب رضایت از اولیای دم تلاش کنم و با این کار خدا را خوشحال کنم.

**چطور این اتفاق برای شما رقم خورد؟**

آن طور که گفتم حکم قصاص من از سوی دیوان عالی کشور تأیید شده و نام من در لیست افرادی قرار گرفته‌بود که باید منتظر اجرای حکم باشند. بعد از

آن بود که متوجه شدم به خاطر رفتار درستی که در زندان داشتم‌ام به گروهی به نام چتر نجات معرفی شده‌ام. این افراد به واسطه خیران برای جلب رضایت اولیای دم تلاش می‌کردند و توانسته بودند مشروط به پرداخت دیه رضایت اولیای دم را جلب کنند.

**دیه را خودت پرداخت کردی؟**

خیر، من کارگر نانوبی بودم و پولی نداشتم که لطف خداوند و کمک خیران شامل حالم شد و آزاد شدم.

**بعد از آزادی چه می‌کنی؟**

می‌دانستم که پیدا کردن کار برای کسی که سابقه قتل دارد بسیار دشوار است. من در یک شرکت مشغول کار شدم و از آنجا که متوجه شدند از اشتباهم پشیمان شده‌ام به من اعتماد کردند. مدتی که گذشت مادرم به سرطان مبتلا شد برای همین کارم را عوض کردم و در مزربزه آفتابگردان در کرج کار تازه‌ای پیدا کردم.

**آیا به عهدت وفا کردی؟**

بله، بعد از آن خودم به عضویت همان گروه در آمدم و برای نجاتی کسانی که ناخواسته مرتکب قتل شده‌اند تلاش می‌کنم. با این که حقوق ناچیزی می‌گیرم، اما بخشی از درآمد را به همان گروه می‌دهم.

**توانستی برای نجات دیگران هم اقدام کنی؟**

بله، در این مدت موفق شده‌ام رضایت دو نفر را که ناخواسته مرتکب قتل شده‌اند جلب کنم. من به پای اولیای دم اقدام و گریه کردم و خواستم که بخشش را به جای انتقام انتخاب کنند که خداوند کمک کرد و این اتفاق افتاد.

**آیا وقتی از بخشش حرف می‌زنی حال و هوای دیگری پیدا می‌کنی؟**

بخشش تصمیم سختی است. من خودم را جای اولیای دم می‌گذارم و درک می‌کنم که تصمیم خیلی سختی گرفته‌اند که بخشش را انتخاب کردند. همیشه هم دعا کرده‌ام که با بخشش به آرامش دست پیدا کنند من جوانی‌ام را در زندان نخواهد فرست و زندان ماه‌ها طول می‌کشد و نمی‌شود شب را با آرامش خوابید. درست است که آنها بخشیدند اما همچنان من با عذاب وجدان زندگی می‌کنم. من تا زمانی که عمر داشته‌باشم می‌خواهم در این مسیر حرکت کنم

و بخشش را به دیگران هدیه بدهم چون هر کس که زندگی می‌بخشد در حال بخشش آرامش است و با بخشش است که به آرامش می‌رسد.

**آگهی تحدید حدود حوزه ثبتی شهرستان نوشهر**

پیرو آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون اخیرالذکر تحدید حدود املاک مشروحه ذیل در ساعت و تاریخ های مقرر در محل وقوع ملک به شرح ذیل به عمل خواهد آمد:

**املاک متقاضیان واقع در قره به نزدیک پلاک ۱۴ اصلی بخش ۳ قشلاقی ۸۰۶ فرعی آقا/خاتم سید مهدی حسینی فرزند میرزا هادی نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۱۴۴.۱۳ مترمربع خریداری بدون واسطه با واسطه از رجب صوری ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۲۳. لذا از متقاضیان و مالکین املاک مجاور و صاحبان حقوق ارتقایی دعوت می گردد در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند.**

بدیهی است در صورت عدم حضور متقاضی یا نماینده قانونی آنان طبق ماده ۱۵ قانون ثبت ملک مورث تقاضا یا حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد.معتبرترین می توانند به استناد ماده ۲۰ قانون ثبت و مواد ۷۴ و ۸۶ آیین نامه قانون ثبت طرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود اعترافی خود را کتبا به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعترافی واحد ثبتی مبارزت به تقدیم دادخواست به مرجع قضایی نمایند در غیر این صورت بازالگه گواهی عدم تقدیم دادخواست توسط متقاضی یا نماینده قانونی وی وبدون توجه به اعترافی واسله عملیات ثبتی با رعایت مقررات ادامه می یابد.

**تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۰۶**

**صفر رضوی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نوشهر**

**شناسه آگهی:۱۲۳۷۹۴**

**آگهی تحدید حدود حوزه ثبتی شهرستان نوشهر**

پیرو آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون اخیرالذکر تحدید حدود املاک مشروحه ذیل در ساعت و تاریخ های مقرر در محل وقوع ملک به شرح ذیل به عمل خواهد آمد:

**املاک متقاضیان واقع در قره به درزیک پلاک ۲۱ اصلی بخش ۳قشلاقی ۲۰۷ فرعی آقا/خاتم محمدرضا خداداد صفائی فرزند فلاغمالی نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۱۳ مترمربع خریداری بدون واسطه با واسطه علی ابراهیمی گت کش وسوبله آزادان ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۲۳. لذا از متقاضیان و مالکین املاک مجاور و صاحبان حقوق ارتقایی دعوت می گردد در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند.**

بدیهی است در صورت عدم حضور متقاضی یا نماینده قانونی آنان طبق ماده ۱۵ قانون ثبت ملک مورث تقاضا یا حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد.معتبرترین می توانند به استناد ماده ۲۰ قانون ثبت و مواد ۷۴ و ۸۶ آیین نامه قانون ثبت طرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود اعترافی خود را کتبا به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعترافی واحد ثبتی مبارزت به تقدیم دادخواست به مرجع قضایی نمایند در غیر این صورت بازالگه گواهی عدم تقدیم دادخواست توسط متقاضی یا نماینده قانونی وی وبدون توجه به اعترافی واسله عملیات ثبتی با رعایت مقررات ادامه می یابد.

**تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۰۶**

**صفر رضوی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نوشهر**

**شناسه آگهی:۱۲۳۷۹۴**

### امور مشترکین وتوزیع روزنامه جوان ۸۸۴۹۸۴۷۶

برگ سبزر، برگ کمپانی و سند نقل و انتقال خودرو پراید

تیپ GTXi مدل ۱۳۸۹ رنگ سفید روغنی شماره پلاک

(ایران ۱۹ - ۷۵۳- ۳۶) به شماره موتور شماره ۳۳۵۱۶۹۰

شناسی ۱۴۸۳۱۷۲۲۸۹۵۱۴۱ متعلق به فرید منصوری نوروز آبادی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.البرز

برگ سبزر، برگ کمپانی و سند نقل و انتقال خودرو

وانت نیسان مدل ۱۳۶۰ رنگ قرمز روغنی شماره پلاک

(ایران ۶۸-۵۷۳- ۵۴) به شماره موتور شماره ۰۰۷۹۸۲

شناسی ۸۰۶۲۶۸۹ متعلق به اکبر علی نژاد مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.البرز

**آگهی تحدید حدود حوزه ثبتی شهرستان نوشهر**

پیرو آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون اخیرالذکر تحدید حدود املاک مشروحه ذیل در ساعت و تاریخ های مقرر در محل وقوع ملک به شرح ذیل به عمل خواهد آمد:

**املاک متقاضیان واقع در قره به علی آباد میر پلاک ۲۳ اصلی بخش ۲ قشلاقی**

۲۶۰۷ فرعی آقا/خاتم علیرضا محمدی فرزند پداله نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۰۷۲۵ مترمربع خریداری بدون واسطه با واسطه از بهراد کریمی ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۲۳. لذا از متقاضیان و مالکین املاک مجاور و صاحبان حقوق ارتقایی دعوت می گردد در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند بدیهی است در صورت عدم حضور متقاضی یا نماینده قانونی آنان طبق ماده ۱۵ قانون ثبت ملک مورث تقاضا یا حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد.معتبرترین می توانند به استناد ماده ۲۰ قانون ثبت و مواد ۷۴ و ۸۶ آیین نامه قانون ثبت طرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود اعترافی خود را کتبا به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعترافی واحد ثبتی مبارزت به تقدیم دادخواست به مرجع قضایی نمایند در غیر این صورت بازالگه گواهی عدم تقدیم دادخواست توسط متقاضی یا نماینده قانونی وی وبدون توجه به اعترافی واسله عملیات ثبتی با رعایت مقررات ادامه می یابد.

**تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۰۶**

**صفر رضوی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نوشهر**

**شناسه آگهی:۱۲۳۷۹۴**

### مرگ دلخواش کارگر در بالابر ساختمان

کارگر جوان هنگام استفاده از بالابر دچار حادثه شد و به طرز دلخراشی جانش را از دست داد.

عصر روز پنج‌شنبه آتش نشانان ایستگاه ۶۳ از وقوع حادثه در شهرک صنعتی خاوران با خبر و در محل حاضر شدند.

محمد ناطقی فرمانده آتش نشانان گفت: بررسی‌های ما نشان داد کارگری ۳۹ساله که در حال استفاده از بالابریوده به دلیل نامعملوی بین بالابر و دیواره چاهک گرفتار شده و در شرایط خیلی دشواری قرار گرفته‌است، برای همین با وخامت حال عمومی وی از امدادگران اورژانس هم در خواست کمک شد.

وی ادامه داد: امدادگران پس از حضور در محل و معاینه مرگ وی را تأیید کردند. جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات در این باره جریان دارد.

### افزایش آمار قربانان حادثه معدن سبیری به ۵۲ نفر

منابع خبری روسیه مرگ ۵۲ معدنچی در یکی از معادن زغال سنگ سبیری را تأیید کرده و اعلام کرده‌اند تلاش‌ها برای یافتن افراد ناپدید شده همچنان جریان دارد.

حادثه روز چهارشنبه حدود ساعت ۹ صبح به وقت محلی در معدن زغال سنگ «لیستویانایا» در شهر گرمیتینو از توابع کمرووی سبیری، اتفاق افتاد. وقتی امدادگران در محل حاضر شدند مشخص شد که ۲۸۵ معدنچی مشغول کار بودند که تلاش‌ها برای نجات افراد گرفتار شده به جریان افتاد.

منابع خبری روسیه اعلام کردند ۴۶ معدنچی و شش نفر از نیروهای امدادی جانشان را از دست داده‌اند. نیروهای امدادی موفق شدند ۲۳۹ معدنچی را به سطح معدن منتقل کنند.

۴۳ن از این افراد برای درمان به بیمارستان منتقل شده‌اند و تحقیقات برای یافتن افراد ناپدید شده ادامه دارد. علت این حادثه مشخص نیست با این حال گفته می‌شود احتمالاً انفجار گاز متان موجب وقوع این حادثه شده باشد.